روش برداشت از قرآن

چکیده

این مقاله در پی آن است که برداشت روشمند قرآن کریم را به تصویر کشد و در این باره آمادگی های لازم، مبانی، قواعد و روش های فهم و تفسیر قرآن را برشمارد و آنگاه گرایش های تفسیری قرآن را ارایه کند.هر چند که این مطلب به تدوین یک کتاب یا سلسله مقالات نیازمند است، در این مختصر کوشیده شده است که تصویری کلی و نظام مند از منطق فهم و تفسیر قرآن ارایه و به آسیب شناسی آن اشاره شود.

کلید واژگان: برداشت، منطق، فهم، تفسیر، روش تفسیری، گرایش تفسیری.

مقدمه

پیش از آغاز بحث، نخست کلید واژه های این نوشتار را توضیحی کوتاه می دهیم:

1. برداشت: در اینجا مقصود، فهم و تفسیر قرآن کریم است.

2. منطق: در اصطلاح، علم منطق وسیله ی قانونی است که مراعات آن، فکر را از خطاها باز می دارد. در اینجا مقصود از مبانی، قواعد و روش ها در فهم و تفسیر قرآن است که مراعات آنها موجب ارایه ی تفسیر معتبری از قرآن می شود.

3. فهم: این واژه دو کاربرد دارد: گاهی به معنای تدبّر و برداشت فرد از متن است، گاهی علاوه بر معنای اول، بیان آن را نیز در بر می گیرد که در این صورت با معنای تفسیر همسان می شود.در اینجا معنای اول مراد است.

4. تفسیر: توضیح معانی آیات قرآن و بیان اهداف و مقاصد خدای بزرگ از آنها است، به عبارت دیگر بیان مراد استعمالی آیات و کشف مراد جدی آنها.(2)

5 . روش تفسیری: استفاده از منبع خاص (قرآن، سنت، عقل و علم) در تفسیر قرآن است که معانی و مقاصد آیه را معین می کند و نتایج مشخص را به دنبال دارد.

6 . گرایش تفسیری: مقصود تأثیر باورهای مذهبی، کلامی، جهت گیری های عصری و سبک های پردازش در تفسیر قرآن است که بر اساس نیازها، ذوق، سلیقه و تخصص مفسّر شکل می گیرد.

فهم و برداشت هر متن مقدمات، مبانی، روش و شرایطی دارد که اگر رعایت شود، فهم صحیح و معتبر از متن حاصل می شود و اگر رعایت نشود، مسیر فهم را به بیراهه می برد و برداشت و تفسیری غیر حقیقی از متن و مقصود نویسنده ارایه می کند.

برداشت از قرآن کریم یا به عبارت دیگر فهم و تفسیر متن مقدّس مسلمانان نیز از این قاعده مستثنی نیست.بنابراین لازم است که در پی ریزی نظام واره ای برای منطق فهم و تفسیر قرآن باشیم.

البته فقدان فهم و تفسیر قرآن یا عدم رعایت آن موجب لغزش ها و آسیب هایی می شود، که در برخی از تفسیرها شاهد آن بوده ایم، بنابراین لازم است که سنجش های فهم و تفسیر روشن شود و آسیب ها و موانع فهم مشخص گردد تا مفسر قرآن، گرفتار آن دامها نگردد.

منطق تفسیر قرآن، موضوعی نوظهور است که در حوزه ی تفسیر مطرح می گردد. قابل ذکر است که در مورد زیر مجموعه های آن در برخی کتابها مطالبی بیان شده است و ریشه های اصلی بحث را در برخی آیات و احادیث و برخی مقدمه های تفسیرها و مقالات می توان پیدا کرد.که در صورت نیاز به آنها اشاره خواهد شد.

منطق فهم و تفسیر قرآن یا شیوه ی صحیح برداشت از قرآن

برای آنکه برداشت صحیحی از قرآن داشته باشیم، ناچاریم که حداقل مراحل زیر را طی کنیم:

یکم) آماده سازی زیرساختهای تفسیر و کسب آمادگیها و مقدمات

1. به دست آوردن شرایط مفسّر قرآن

از جمله: تسلط بر ادبیات عرب (صرف، نحو، لغت و...) آگاهی از شأن نزول آیات، اطلاع از علوم قرآن، علم فقه، علم اصول فقه، آگاهی از احادیث و مراجعه به آنها، علم به قرائت های قرآن، آگاهی از بینش های فلسفی، علمی، اجتماعی و اخلاقی و آشنایی با تفاسیر.

تفسیر قرآن مانند هر علم دیگر نیازمند تخصص است و کسی که بدون شرایط لازم به سراغ تفسیر قرآن برود، همچون کسی است که بدون تخصص به جراحی قلب بپردازد که در نظر عقلا ناپسند است. در مورد قرآن، چنین کاری موجب تفسیر به رأی می گردد که ممنوع است. برای اطلاع از کمیّت و کیفیّت این شرایط و دیدگاه های دیگر در این زمینه، به کتابهای زیر مراجعه کنید: الاتقان فی علوم القرآن از سیوطی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن از نگارنده، روش شناسی تفسیر از محمود رجبی و دیگران، شروط و آداب تفسیر مفسّر از کامران ایزدی.

2. تفکّر، تعقّل و تدبّر در آیات قرآن

قرآن کریم در موارد متعدد افراد را به تفکّر در آیات(3) یعنی اندیشه ورزی در جزئیات و مقدمات و علل و زمینه ها فرا می خواند. در برخی آیات، افراد را به تعقّل در آیات(4) یعنی اندیشه ورزی در امور کلّی فرا می خواند. گاهی اوقات افراد را به تدبّر یعنی پیامدهای امور فرا می خواند.(5) البته هر سه مورد فوق برای فهم آیات و برداشت از آنها لازم است.

برای مثال: اگر قرآن به سرگذشت عذاب آلود قوم عاد اشاره می کند، ما باید در مورد زمینه ها و علل جزیی این حادثه تفکّر کنیم. نیز در مورد سنت و قانون کلّی الهی در مورد اقوام سرکش در طول تاریخ، تعقّل نماییم و در مورد پیامدهای این حادثه تاریخی و تاثیر آن در سرنوشت افراد و ملتها تدّبر کنیم و در مجموع عبرت های این حادثه را به دست آوریم و بیان کنیم. این نوع برخورد با آیات به برداشت های جالبی منتهی می شود که اگر با رعایت ضوابط صورت گیرد قابل انطباق با هر زمان و مکان مشابه است.

دوم) انتخاب مبانی در تفسیر

در این مورد لازم است به این پرسشهای اساسی پاسخ داده شود:

1. آیا تفسیر قرآن جایز است؟ (جواز به معنای امکان یا جواز به معنای جواز شرعی).

2. آیا ظواهر قرآن حجّت است؟

3. آیا قرآن علاوه بر ظاهر، باطن یا باطن هایی دارد، یعنی آیا قرآن دارای ساخت های معرفتی و چند لایه است؟ یا یک ساخت دارد؟

4. آیا قرآن تحریف شده است یا از تحریف مصون مانده است؟

5 . آیا استعمال لفظ بیشتر از یک معنا جایز است؟

6 . کدام منابع در تفسیر قرآن معتبر است؟ (قرآن، سنت پیامبر(ص) و اهل بیت (علیهم السلام)، عقل، شهود و اجماع و اقوال صحابه و تابعین و...).

7. آیا خبر واحد، در ضوابط تفسیر آیات قرآن (همچون فقه) حجّت است یا نه؟

8 . آیا قرآن کلامی منسجم و حکیمانه است؟ و در هر سوره اهداف مشخّصی دنبال می شود؟

انتخاب یک نظر و مبنا برای هر یک از موارد بالا، برای مفسّر لازم است، چرا که خط اساسی او را در تفسیر و برداشت های قرآنی مشخص می سازد. و این مبنا همچون پیش فرضی، در تمام مراحل به یک مفسّر یاری می رساند.

برای مثال: اگر کسی ظاهر قرآن را حجّت نداند و فقط تفسیر را منحصر به معصوم بداند، هر کجا که قراین روایی وجود ندارد، نمی تواند به استفاده از قراین عقلی تفسیر کند و از آیات برداشت نماید.

مثال دیگر: اگر کسی شهود عرفانی و اجماع و اقوال صحابه و تابعین را در تفسیر معتبر و حجّت بداند، تفسیر او رنگ خاصی به خود می گیرد؛ اما اگر اینها را معتبر نداند و در پی قراین عقلی و سنت پیامبر(ص) و اهل بیت (علیهم السلام) باشد، تفسیر و برداشت او جهت و رنگ دیگری می گیرد.

یادآوری: برای اطلاع از مبانی تفسیر و دیدگاه ها به کتابهای زیر مراجعه شود: روش شناسی تفسیر از محمود رجبی و دیگران، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن از نگارنده، اصول التفسیر و قواعد از شیخ خالد عبدالرحمن العک و مبانی و روش های تفسیر از دکتر محمد کاظم شاکر.

سوم) قواعد فهم و ضوابط تفسیر قرآن

قبل از برداشت و تفسیر قرآن، لازم است، قواعد تفسیری یا مؤثر در تفسیر قرآن را بشناسیم تا بتوانیم فهم معتبری از قرآن داشته باشیم؛از جمله:

1. قاعده ی سیاق، یعنی فضای حاکم بر آیه با توجه به آیات مرتبط قبل و بعد که در فهم آیه و تفسیر آن مؤثر است.

2. قواعد ادبی که معمولاً در علوم صرف، نحو، معانی و بیان تبیین می شود.

3. قواعد اصول الفقه مثل عام و خاص، مجمل و مبین، مطلق و مقید و... که معمولاً در علم اصول الفقه توضیح داده می شود.

4. قواعد فقهی و معلومات فقهی برای فهم آیات الاحکام.

5 . قاعده ی ممنوعیت کاربرد اسرائیلیات در تفسیر، یعنی مفسّر حق ندارد از مطالب یهود و مسیحیت برای تفسیر آیات کمک بگیرد. همان طور که کعب الاحبارها در طول تاریخ این کار را کرده اند و در برخی تفاسیر مثل تفسیر طبری وارد شده است.(6)

6 . قاعده ی عدم جواز کاربرد غیر علم (عادی) در تفسیر: چرا که تفسیر، بیان کلام خداست و اسناد امور غیر علمی به خدا جایز نیست. از این رو برخی مفسّران، تفسیر قرآن با خبر واحد ظنی را معتبر ندانسته اند.(7)

7. ضوابط فهم تفسیر معتبر قرآن مثلاً:

الف) تفسیر قرآن مخالف آیات دیگر قرآن نباشد.

ب) تفسیر قرآن مخالف سنت قطعی نباشد.

ج) تفسیر قرآن مخالف عقل نباشد.

د) تفسیر قرآن مخالف علم تجربی قطعی نباشد.

اگر مفسر قرآن این قواعد و ضوابط را نشناسد، نمی تواند برداشت صحیح و معتبری از قرآن داشته باشد.

برای مثال: اگر مفسّر قرآن، قاعده ی پنجم را نداند یا رعایت نکند، ممکن است در داستان آدم و حوا روایتی را بپذیرد که می گوید: زن از دنده ی چپ آدم پیدا شد، در حالی که این روایت اسرائیلی و اصل آن در تورات است.(8)

مثال دیگر: اگر مفسر قرآن قواعد ادبی یا اصولی و یا فقهی را نداند، نه تنها در تفسیر آیات بلکه در ترجمه ی قرآن نیز با مشکل جدّی روبرو می شود.(9) (البته ترجمه ی قرآن نوعی خلاصه ی تفسیر است.)

یادآوری: برای اطلاع بیشتر از قواعد و ضوابط تفسیر به کتاب های زیر مراجعه کنید: مبانی و روش های تفسیر از دکتر محمد کاظم شاکر، روش شناسی تفسیر از محمود رجبی و دیگران، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن از نگارنده، قواعد التفسیر از خالد بن عثمان السبت، اصول التفسیر و قواعده از شیخ خالد عبد الرحمن العک.

چهارم) شناخت روشهای تفسیری معتبر و بهره گیری از آنها

مفسران قرآن بر اساس منبع خاصی که در تفسیر قرآن استفاده می کنند، روش خاصی را در تفسیر می پویند. این روشها متفاوت است. پس برای فهم قرآن و تفسیر آن، لازم است که روشهای صحیح و معتبر شناخته شود و همچنین روشهای غیر صحیح و غیر معتبر مشخص گردد تا برداشت و تفسیر ما به بیراهه نرود و گرفتار خطای روشی نشویم.

زیرا که انتخاب روش صحیح در تفسیر موضوعیت دارد، همان طور که علامه طباطبایی (قدس سره) ذیل آیه 7 آل عمران از حدیث زیر استفاده کرده اند.(10)

«من قال فی القرآن برأیه فاصاب فقد اخطأ»(11)

(هر کس در مورد قرآن بر اساس برداشت شخصی سخنی بگوید و به واقع برسد [و مطلب او صحیح باشد] باز هم خطا کرده است.)

یعنی اگر کسی با روش غلط، اقدام به جراحی قلب بیمار کند و اتفاقا نتیجه خوب باشد، باز هم مورد سرزنش عقلا قرار می گیرد و از ادامه ی کار او جلوگیری می شود، زیرا نزد عقلا وجود پزشک متخصص و ابزار و اتاق عمل و شیوه ی صحیح عمل، برای هر جراحی لازم است. روش تفسیر نیز همین گونه است.

روشهای معتبر فهم و تفسیر قرآن عبارتند از:

1. روش تفسیر قرآن با قرآن، (مثل تفسیر المیزان علامه طباطبایی و تفسیر القرآنی للقرآن عبدالکریم خطیب.)

2. روش تفسیر قرآن با احادیث، (مثل تفسیر البرهان محدّث بحرانی و تفسیر الدّرالمنثور سیوطی.)

3. روش تفسیر قرآن با عقل (برهانهای قطعی عقل)، (مثل تفسیر القرآن و العقل نور الدین اراکی.)

4. روش تفسیر قرآن با علوم تجربی قطعی، (مثل تفسیر الجواهر طنطاوی.)

5 . روش تفسیر اشاری قرآن (باطنی صحیح)، (مثل تفسیر حقایق التفسیر سُلّمی و تفسیر القرآن العظیم تستری و کشف الاسرار میبدی.)

روش غیر معتبر در تفسیر قرآن همان روش تفسیر به رأی است که گاهی بر شیوه های فرعی برخی روشهای فوق نیز سایه می افکند که در احادیث اسلامی به شدّت محکوم شده است.(12)

روش تفسیر به رأی بدان معناست که مفّسر قرآن بدون توجه به قراین عقلی و نقلی (آیات دیگرِ قرآن و احادیث) به تفسیر قرآن بپردازد و یا نظر خود را بر قرآن تحمیل کند. یعنی: تفسیر او برداشت شخصی باشد نه برداشت علمی.(13)

توضیح کامل این روشها در حوصله ی این نوشتار نیست ولی تأثیر آنها را در فهم آیات قرآن نمی توان انکار کرد. از این رو به کار نبردن آنها در تفسیر و احتراز از تفسیر به رأی کاملاً ضروری است تا بتوانیم تفسیر معتبر و برداشت صحیحی از آیه داشته باشیم.

مثال: «انا أنزلناه فی لیلة القدر» (قدر / 1)

اگر این آیه بر اساس هر کدام از روش های فوق تفسیر شود، نکته و برداشت خاص تفسیری را به دنبال دارد:

الف) تفسیر قرآن به قرآن آیه: با مراجعه به آیه ی «شهر رمضان الذّی أنزل فیه القرءان» (بقره / 185) روشن می شود که شب قدر در ماه رمضان است، همان طور که برکت آن شب و جدا سازی امور از آیه ی 3 و 4 سوره ی دخان استفاده می شود.

ب) تفسیر روایی آیه: با مراجعه به احادیث و تفسیر روایی آیه، روشن می شود که این شب، بیست و یکم یا بیست و سوم ماه رمضان است.(14)

ج) تفسیر باطنی آیه: در برخی از احادیث آمده است که لیلة القدر، فاطمه (سلام الله علیها) است(15) و شاید مورد اشاره ی آیه باشد. همان طور که شب قدر ظرف نزول قرآن صامت است، فاطمه ظرف نزول قرآن های ناطق یعنی ائمه است یا همان طور که شب قدر نامعلوم است، قبر فاطمه (سلام الله علیها) نیز نامعلوم است.

د) تفسیر علمی آیه: در تفسیر نمونه، مورد توجه واقع شده که با طرح یک پرسش شروع می شود؛ با توجه به اختلافات طلوع و غروب خورشید در مناطق مختلف زمین، شب قدر در آمریکا چه موقع است و در نهایت نتیجه می گیرند که شب کره ی زمین هنگامی است که سایه ی آن یک دور می چرخد؛ پس مقصود از شب قدر 24 ساعت است.(16) البته مانعی ندارد که یک آیه با روشهای مختلف تفسیر شود و همه ی تفاسیر صحیح باشد، چون سطح معرفتی این روشها با همدیگر متفاوت است، بلکه تفسیر کامل آیه با اعمال روشهای معتبر امکان دارد و در آن صورت است که ما به تفسیر جامع آیه دست می یابیم.

یادآوری: برای مطالعه ی بیشتر در مورد روشهای تفسیری می توانید به کتابهای زیر مراجعه کنید:

مبانی و روشهای تفسیر قرآن از عباسعلی عمید زنجانی، درسنامه ی روشها و گرایشهای تفسیر قرآن از نگارنده، روشها و گرایشهای تفسیری از حسین علوی مهر، اتجاهات التفسیر فی القرآن الرابع عشر از فهد بن عبد الرحمن بن سلیمان الرومی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن از نگارنده (در مورد روش تفسیر علمی)، التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان از دکتر احمد عمر ابوحجر، التفسیر و المفسرون از دکتر ذهبی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب از آیة الله معرفت، اصول التفسیر و قواعده از شیخ خالد عبد الرحمن العک، مذاهب التفسیر الاسلامی از گلدزیهر، روشهای تفسیر قرآن از دکتر سید رضا مودب.(17)

پنجم) شناخت گرایشهای تفسیر مفسران و استفاده از آنها در جای مناسب

مفسّران قرآن بر اساس باورهای مذهبی -کلامی و جهت گیریهای عصری و تخصص های علمی و سلیقه و علاقه ی شخصی، رنگ خاصی به تفسیر خود می دهند که موارد زیر را شکل می دهد:

1. مذاهب تفسیری: مثل تفاسیر اسماعیلیه، تفاسیر شیعه و تفاسیر اهل سنت.

2. مکاتب تفسیری: مثل تفاسیر معتزله (همچون متشابه القرآن قاضی عبدالجبار و تفسیر ابومسلم) و تفاسیر اشاعره (همچون تفسیر نسفی و تفسیر کبیرفخررازی) و تفاسیر شیعه (همچون متشابه القرآن ابن شهر آشوب).

3. سبک های تفسیری (الوان تفسیری).

الف) تفاسیر ادبی همچون کشاف زمخشری؛

ب) تفاسیر فقهی همچون تفسیر قرطبی و زبدة البیان (مقدس اردبیلی)؛

ج) تفاسیر فلسفی همچون تفسیر قرآن کریم از ملا صدرای شیرازی؛

د) تفاسیر اجتماعی همچون تفسیر فی ظلال القرآن سید قطب و تفسیر نمونه ی آیت اللّه مکارم شیرازی؛

ه) تفاسیر اخلاقی همچون تفسیر من وحی القرآن از علامه سید محمدحسین فضل اللّه؛

و) تفاسیر تاریخی همچون تفسیر طبری (که علاوه بر روایی بودن به جنبه ی تاریخی نیز پرداخته است).

ز) تفاسیر علمی همچون الجواهر الطنطاوی.(18)

4. جهت گیریهای تفسیری (اتجاهات) همچون تفاسیر جهادی، تقریبی، سیاسی، معنوی و تربیتی. مثل تفسیر الکاشف مغنیه و من وحی القرآن از علامه فضل الله.

شناخت گرایشهای تفسیری برای استفاده از تفاسیر و مفسران پیشین، بسیار ضروری است. برای مثال کسی که می خواهد آیات فقهی قرآن را تفسیر کند، لازم است تفاسیر فقهی مذاهب پنجگانه را بشناسد و بدانها مراجعه کند تا بتواند مجتهدانه آیات الاحکام را تفسیر کند. نیز برای بررسی آیات العقاید قرآن، لازم است به تفاسیر مذاهب مختلف اسلامی و مکاتب کلامی مراجعه کند یا از دیدگاه های آنها اطلاع یابد، و گرنه تصویری ناقص از مباحث خواهد داشت.

البته روشن است که در مورد هر آیه ممکن است چند روش یا گرایش خاص مورد استفاده قرار گیرد و همه روش ها یا گرایش ها، مناسب یک آیه نباشد، ولی استفاده مناسب از گرایشهای مختلف در تفسیر آیات، برداشت تفسیری را کامل و مفسر را جامع نگر می کند.

یادآوری: برای اطلاع از ویژگی ها، تاریخچه ها و منابع گرایشهای تفسیری، به منابعی که ذیل روشهای تفسیری معرفی کردیم مراجعه شود.

ششم) شناخت آسیب های تفسیر قرآن و پرهیز از آنها(19)

آسیب های تفسیر قرآن به چند دسته اساسی تقسیم می شود:

الف) آسیب های معرفتی: همچون انحراف عقیدتی مفسّر و ارایه ی تفسیرهای غیر صحیح از قرآن.

ب) آسیب های اخلاقی: همچون عدم طهارت روح و در نتیجه عدم پایبندی به ضوابط تفسیر قرآن و تحمیل نظریات خویش بر قرآن که به تفسیر به رأی منتهی می شود.

ج) آسیب های روشی: همچون عدم آگاهی از روشهای تفسیر قرآن و عدم شناخت نسبت به تفسیر به رأی که نتیجه ی آن گرفتار شدن در دام تفسیر به رأی است.

در مجموع می توان گفت مهمترین آسیب تفسیر قرآن همان تفسیر به رأی است که در مباحث قبل بیان شد. تفسیر به رأی می تواند بر همه روشها و گرایشهای تفسیری سایه گستر شود و تفسیر را از اعتبار ساقط کند.(20)

تذکر: روش های تفسیر متن را به دو شیوه سیستماتیک و هرمنوتیک تقسیم می کنند؛(21) روش سیستماتیک (سنتی semantics) تفسیر کتابهای مقدس که از جمله قرآن، در پی کشف قصد مولف است، یعنی مفسّر می خواهد مراد خدای بزرگ (دلالت تصدیقی) را از آیات به دست آورد.

روش دیگر هرمنوتیک (hermenuitice) است که در پی کشف نیّت مولف نیستند، بلکه بر مطلق فهم تاکید دارند و معتقدند که هر متن از دیدگاه خاص مفسّر مورد تفسیر قرار می گیرد. این نوع دوم همان تفسیر به رأی است، یعنی محور فهم متن، رأی و دیدگاه مفسّر است و هدف مفسّر آن است که نظر خود را به جای مؤلف متن بیان کند، در حالی که در دیدگاه سمانتیک (بر اساس تعریفی که ما از تفسیر بیان کردیم) مفسّر در پی فهم هدف و قصد مولف است که با توجه به قراین عقلی و نقلی به دست می آورد.

نتیجه گیری

برداشت از قرآن مستلزم طی مراحل شش گانه کلی فوق است که به تفسیر معتبر منتهی می گردد، و این مراحل منطق فهم و تفسیر قرآن است. البته هر کدام از این مراحل نیازمند توضیح و تفصیل بیشتر و مقاله ی مستقل است که مجال دیگری را می طلبد. ما در این نوشتار، نمای کلی مطالب را بیان کردیم امید است توفیق توضیح و تفصیل بیشتر را بیابیم.

پی نوشت ها

1. دکترای علوم قرآن و حدیث و عضو هیأت علمی مرکز جهانی علوم اسلامی.

2. برای اطلاع بیشتر از تعریف های تفسیر ر.ک: علامه طباطبایی، المیزان، ج 1، مقدمه، ص 4؛ درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ص 35 تا 39 و درسنامه ی روشها و گرایش های تفسیر قرآن، نگارنده، ص 23؛ سیوطی، الاتقان، ج 2، ص 192؛ طبرسی، مجمع البیان، ج 1، ص 13.

3. نک: نحل / 44.

4. نک: یوسف / 2.

5. نک: ص / 29.

6. برای اطلاع از تفاوت سه واژه تفکر، تدبّر و تعقل نک: تفسیر نمونه، ج 21، ص 9 ـ 467 و کتاب انس با قرآن، ص 115 ـ 112 از نگارنده.

7. نک: التفسیر و المفسرون فی ثوب القشیب، آیة الله معرفت؛ اسرائیلیات در تفسیر، دکتر حمید محمد قاسمی؛ پژوهشی در اسرائیلیات، دکتر دیاری و...

8. تبیان، شیخ طوسی، ج 1، ص 147 (ذیل آیه ی 39 / بقره) و نیز نک: کتاب مقدس، سفر پیدایش، باب اول، شماره ی 7 به بعد.

9. ما موارد لغزش های مترجمان قرآن را در مورد فوق تحت عنوان «نقش دانش های مترجم در ترجمه ی قرآن» جمع آوری کرده ایم که در مجله ی «ترجمان وحی»، ش 12 منتشر شده است.

10. سنن ترمذی، ابوداوود سجستانی، ج 4، کتاب تفسیر القرآن، حدیث 2961.

11. المیزان، ج 3، ص 75.

12. نک: عیون اخبار الرضا، الصدوق، ج 1، ص 116؛ بحارالانوار، ج 89 ، ص 107؛ تفسیر برهان بحرانی، ج 1، ص 19؛ تفسیر قرطبی، ج 1، ص 27 و کنز العمال، ج 2، ص 10.

13. نک: درسنامه ی روشها و گرایشهای تفسیر قرآن، ص 352 ـ 410.

14. نورالثقلین، ج 5 ، ص 625 ـ 626 .

15. اصول کافی، ج 1، ص 390 و بحار الانوار، ج 43، ص 65 .

16. تفسیر نمونه، ج 27، ص 193.

17. در کتاب درسنامه ی روشها و گرایشهای تفسیر قرآن، که انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی آن را چاپ کرده و به دو زبان عربی و اردو نیز ترجمه شده است، یک کتابشناسی حاوی 138 عنوان کتاب در زمینه ی روشها و گرایشهای تفسیر قرآن را معرفی کرده ایم.

18. برخی کتاب ها در روشهای تفسیری و گرایشهای تفسیری هر دو جای می گیرد، چرا که گاهی از منبع خاص استفاده کرده اند، از این رو روش به شمار می آیند و گاهی بر اساس علاقه و ذوق مفسّر، مطالب خاصی در آن به کار رفته که گرایش به شمار می روند.

19. شاید مشکل باشد که «شناخت آسیب های تفسیر»را یک مرحله از مراحل برداشت تفسیر قرآن بدانیم، اما با توجه به اینکه این مطلب بر کل منطق تفسیر قرآن سایه می اندازد، آسیب های تفسیر یک مانع اساسی فهم و تفسیر معتبر به شمار می آید، از این رو می توانیم آن را تسامح یک مرحله (مرحله ی رفع مانع فهم و تفسیر) به شمار آوریم.

20. نک: تفسیر به رأی، آیت اللّه مکارم شیرازی؛ درسنامه ی روشها و گرایشهای تفسیر قرآن، از نگارنده و...

21. نک: روش شناسی مطالعات دینی، احد فرامرز قراملکی، ص 204.